

گذری بر تاریخ کوچه‌ای که در گذشته نامی خاص داشته و محل سکونت تعدادی از نامداران مشهد بوده است

روشن‌ترین کوچه چهارباغ قدیم

رضا سلیمان نوری

در چند شماره قبل، از روایت‌هایمان درباره محلات قدیم مشهد با عنوان «کوچه‌گردی، از نوغان گفتیم و تاریخ گذشته بر آن را حکایت کردیم و با اینکه قصه و تاریخش هنوز به پایان نرسیده بود، برای تنوع هم که شده است، این‌بار قصد داریم با شما در یکی از کوچه‌های محله چهارباغ قدیم‌به‌ترینم‌که خاص‌بودن نامش، سبب معروف شدن آن به نسبت بسیاری از کوچه‌های قدیمی‌تر این محدوده شده است. این کوچه «روشن، نام دارد که اکنون در تابلو ابتدای آن علاوه بر کلمه روشن، آیت... خزعلی ۳ هم خودنمایی می‌کند.

● «روشن» در نقشه‌های مشهد براساس نقشه‌های موجود از مشهد، کوچه روشن در زمان ترسیم نقشه‌جولیس‌دالمج بریتانیایی یعنی سال ۱۲۴۸ خورشیدی وجود داشته، اما به این شکل نبوده است. درواقع در نقشه‌های قدیمی در محدوده فعلی کوچه روشن، کوچه‌ای بن‌بست قرار داشته با دو راه دسترسی که نخستین راه از کوچه حاج محمود هراتی (که خود از میدان‌گاهی چهارباغ منشعب شده) مسیر پیدا می‌کرده و دیگری هم از کوچه‌ای که اکنون کوچه مخابرات است. درست در مقابل مکانی که روزگاری کانون نشر حقایق اسلامی استاد محمدتقی شریعتی نیز بوده است. با این مستندات می‌توان گفت کوچه روشن عمری ۱۵۰ ساله دارد، ولی با این همه کمتر از بیست سال پیش، در جریان طرح نوسازی و بهسازی اطراف حرم مطهر رضوی نابود می‌شود تا بخشی از زمین‌های اطراف آن به خیابان آیت...طیسی اختصاص پیدا کند و بخشی هم در یکی از پروژه‌های بلندمرتبه منطقه قرار بگیرد. ناگفته‌نماند این کوچه قدیمی را مردم محلی به دلیل مجاورت با بنای ثبت ملی تخریب شده

سرای ترکمن‌ها از جانب کوچه مخابرات به‌نام «کوچه ترکمن‌ها، هم می‌شناختند. کوچه روشن در نقشه‌های بعدی مشهد هم وجود دارد، با این تفاوت که از زمان ایجاد خیابان شاه‌رضانوی آن زمان (آیت... خزعلی فعلی) یعنی سال‌های ابتدایی دهه دوم قرن چهاردهم قمری، نه‌تنها دیگر بن‌بست نیست که جای ابتدا و انتهای آن هم عوض شده‌بوده‌است. این یعنی ابتدای کوچه در خیابان شاه‌رضانو قرار می‌گیرد. البته در این دوران هنوز نام کوچه به‌روشن تغییر پیدا نکرده‌بود و گواه این مدعا هم نقشه‌های سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۳۳ مشهد است که در هردو آن‌ها نام «حاج‌محمدحسن طبرسی» برای این کوچه ثبت شده است.

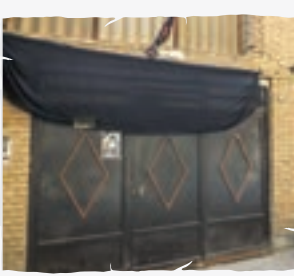
● وجه‌تسمیه کوچه روشن

گویا این فرد یکی از ساکنان یا بهتر بگوییم ثروتمندترین فرد ساکن این کوچه در دهه‌های دوم تا چهارم سده چهارده هجری بوده که خانه‌بزرگش تا سال‌ها پس از فوتش مورد توجه مردم قرار داشته‌است، اما در دهه چهل خورشیدی به‌دست‌ورثه تقسیم‌وسپس فروخته می‌شود و حضور این خاندان در این محدوده به پایان می‌رسد. درست به همین

بن‌بستی با خانه‌های تاریخی با ارزش

یگانه فرعی کوچه روشن که در ابتدای هردو سوی آن دو بنای زائرپذیر وجود دارد، در ادامه میزبان چند خانه به‌نسبت زیبا و قدیمی است، خانه‌هایی که قدمت همه‌شان پهلوی دوم است و بیشترشان پس از انقلاب اسلامی خاصه دهه شصت تغییر کرده‌اند، اما خانه‌هایی قابل توجه هستند و حتی دو مورد از آن‌ها در حدی است که بتوان واجد ارزش ثبت ملی تلقی‌شان کرد.

خانه‌ای که چشم و چراغ کوچه روشن است



اما چشم و چراغ معاصر این کوچه خانه‌ای است که تا همین چند ماه پیش میزبان یکی از استادان برجسته اخلاق مشهد بود. استادی که در خانه‌اش (که نخستین خانه عقب‌نشینی کرده در مسیر اصلی کوچه نیز محسوب می‌شود) همیشه روی

دلیل است که در نقشه‌های بعدی مشهد نام این کوچه به «روشن» تغییر پیدا می‌کند. نامی که بر اساس نوشتار محمد رحیم رهنما در کتاب «شناسایی و وجه تسمیه معابر، محلات و اماکن عمومی بافت قدیم مشهد»، پس از این به دلیل سکونت فردی به نام حاجی روشن که از توانایی مالی خوبی برخوردار بوده است، بر این کوچه نهاده می‌شود. البته برخی قدیمی‌های محله مانند مرحوم هاشم افسریان، مرور کرده‌اند یا می‌کنند، بقیه مردم از این حقیقت که روزگاری کوچه روشن، «طبرسی» نام داشته است، بی‌خبرند.

روشن کردن کوچه در ساعات نخستین شب استفاده کنند و برای همین هم این کوچه نسبت به کوچه‌های مجاورش از شب‌های روشنی برخوردار بوده و این امتیاز نام آن را به روشن تغییر داده است. به هر حال، هرکدام از این موارد که دلیل نام‌گذاری این کوچه به روشن بوده باشد، اکنون همه آن را روشن می‌خوانند، اما به جز کسانی که به هر دلیلی نقشه‌های قدیم مشهد را مرور کرده‌اند یا می‌کنند، بقیه مردم از این حقیقت که روزگاری کوچه روشن، «طبرسی» نام داشته است، بی‌خبرند.

● قصه‌های فراموش‌شده در کوچه روشن

اما از حکایت‌های تاریخی کوچه روشن که رد شویم، باید بگوییم که این کوچه اکنون هم داستان‌های خاص خودش را دارد، داستان‌هایی که به دلیل قطع شدن ارتباط مستقیم آن با محله مادر یعنی چهارباغ (به دلیل اجرای خیابان آیت... طیسی حدفاصل آن و کوچه چهارباغ و البته تخریب یک سمت کوچه در جریان اجرای این خیابان) مانند قدیم خود، بسیار نیست. اما بازهم به حدی هست که بتواند ساعتی چند، هر رهگذر مشهددوستی را معطل شنیدن حکایت‌هایش کند. یکی از

یادگار زیبای دیگری از اهل علم

خانه مرحوم طباطبایی یگانه مکان متعلق به اهل علم در کوچه روشن نیست، بلکه چندقدیمی پس از این خانه، در طرف دیگر کوچه بنایی وجود دارد که آن هم نماد یکی دیگر از خاندان‌های قدیمی و روحانی مشهد است، مدرسه علمیه خاتم‌الانبیا^(ع) تنها ساختمان باقی‌مانده از حوادث روزگار، در طرف دیگر کوچه روشن قرار دارد که بنا بر متن درج‌شده بر تابلو آن، به‌دست آیت... میرزا مهدی نوقانی ایجاد شده است و زیر نظر و سرپرستی این خانواده اهل علم اداره می‌شود. این مدرسه اکنون به دلیل همان جبر روزگار و مشکلات ایجادشده ناشی از تخریب بناهای اطراف آن، دیگر به‌صورت رسمی استفاده نمی‌شود، اما از زیبایی قابل توجهی برخوردار است. اما آخرین بنای قابل توجه کوچه روشن، منزلی در تقاطع این کوچه با بقایای کوچه حاج‌محمود هروی است. این منزل که البته سه‌نیش است و سوی دیگرش هم در کوچه پنجه قرار دارد، یک منزل تاریخی تقریباً ناشناخته است. بخشی از این منزل که خانه‌ای گرفتار بین ورثه فردی از اهالی کرمان است و درست به همین دلیل هم تا امروز از گزند حوادث در امان مانده، متعلق به سال‌های انتهایی دوران قاجار و ابتدایی عهد پهلوی است و مصالح به کاررفته در بخش دیگر آن از بازسازی آن در میانه‌های عهد پهلوی دوم حکایت می‌کند.

نامداران کوچه روشن که دیگر نیستند

داستان بناهای کوچه روشن در همین تعداد خلاصه نمی‌شود، زیر روزگاری در خانه‌های خراب شده این کوچه شخصیت‌های بزرگی سکونت داشته‌اند، شخصیت‌هایی که هرکدام در یکی از حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مشهد نامی نیک از خود برجا گذاشته‌اند. برای نمونه در یکی از این منازل تخریبی روزگاری اخوان ثالث سکونت داشته است و در منزلی دیگر ملک‌زاده، نویسنده و روزنامه‌نگار برجسته، و خانه‌ای هم ملک پدری دکتر محکی، استاد شناخته‌شده کنونی علم ارتباطات، بوده است. البته گلاب‌گیرهای معروف که برند گلاب نادر را در اختیار دارند هم روزگاری در یکی از این خانه‌های تخریب‌شده این محله گلاب‌گیری داشته‌اند و احتمالاً سوازی روشنی این کوچه، عطر خوش گلابشان هم رهگذران را سر کیف می‌آورده است.



تصویر مربوط به دی ۱۳۹۷ است

«صاحب علم» در سرشور

درباره یک خانه تاریخی در همسایگی حرم مطهر رضوی

آجری ساده و جان‌پناهی چوبی دربرگرفته است. رخیام خانه نیز ترکیبی از آجرهای تراش و ساده است که به نمای ساده این بنا جلوه‌ای خاص بخشیده است. در نمای خارجی این بنا نیز پنجره‌های چوبی با حفاظ (فرورژه) دیده می‌شود. در این بنا دخل و تصرف‌هایی نیز شده که از اصالت کاسته است. لایه‌ای از اندود سیمانی روی نمای بیرونی و آجری بنا کشیده شده است. همچنین، ایجاد امکانات رفاهی مانند عبور کابل، لوله گاز و... و ایجاد الحاقاتی در حیاط برای ساختن انباری و جایگزین کردن در فلزی به‌جای در چوبی مواردی است که از اصالت بنا کاسته است.

منبع: کتاب «هویت مشهد»، نوشته محمدهادی درودی

موقعیت اثر: خیابان خسروی (دیالمه)، بازار سرشور،

بین سرشور ۱۴و ۱۲، اولین منزل دست چپ، پلاک ۱۴۲

تاریخ ثبت ملی: ۱۲ تیر ۱۳۸۴

مساحت بنا: ۴۳ مترمربع

مشهد

گذری بر تاریخ زندگانی حاج محمدصادق بخارایی، از نامداران مشهد قدیم

یک بخارایی خادم در اسناد و مکتوبات

گروه تاریخ‌وهویت

حاج محمد صادق بخارایی، فرزند حاجی محمدعظیم تاجر، از خانواده‌های تاجرپیشه بوده است. گویا عمویش حاجی محمدکریم‌بخارایی نیز از تجار بزرگ و سرشناس بوده، اما هیچ کدام از افراد این خاندان مانند حاج محمدصادق نامشان در تاریخ ارض اقدس ماندگار نشده است.

شرح حال حاجی محمدصادق در سرشماری سال ۱۲۹۹ قمری مشهد تاجری ثروتمند و جزو مجاوران ساکن در محله عیدگاه نوشته شده که خانواده‌ای پنج‌نفره داشته است. او به گفته شاهزاده زین‌العابدین میرزای قاجار در کتاب نفوس ارض اقدس، «به‌ظاهر تنها بخارایی مشهد بوده که در زمینه ورود قماش از روسیه فعالیت می‌کرده است.

بررسی نام او در جراید قدیمی هم نشان می‌دهد که او در محرم ۱۳۰۰، ۳۳ عدل قماش از شاهرود به طرف مشهد بار کرده بوده، ولی بین راه زیدر و میاندشت چهار عدل آن به سرقت می‌رود و او به‌ناچار این موضوع را از طریق وکیل التجار روسیه که مقیم مشهد بوده است، پیگیری می‌کند.

در اسناد هم می‌شود نام‌ونشانی از این تاجر یافت و آن این است که گویا ارتباط زیاد حاج محمد صادق با روسیه سبب می‌شود مسئله تابعیت او مطرح شود. نامه‌ای نوشته می‌شود و به وزارت امور خارجه می‌رود، اما آنان در جواب به کارگزاری خراسان اعلام می‌کنند با وجود اقامت ۴۵ ساله او در مشهد، ایشان رعیت دولت ایران محسوب می‌شود.

نکته جالب درباره این تاجر را می‌توان در اسناد مرکز اسناد آستان قدس رضوی هم دید. وقتی نامش در میان خادمان آستانه ثبت شده است. او همچنین در وقف‌نامه‌اش که ۱۴ ذوالقعدة ۱۳۰۹ نوشته شده، بخارایی‌الاصل و مشهدی‌الامسکن معرفی شده که اقامت در مشهد و ارادتش به آستان مقدس امام‌رضا^(ع) به‌گونه‌ای بوده که حاج محمدصادق را در زمره خادمان کشیک چهارم آستانه قرار داده است.

جست‌وجو در دیگر منابع ما را به معصوم‌علیشاه دکنی می‌رساند که او هم حاج محمدصادق را بخاری مروزی و مردی کهن‌سال معرفی کرده که بیشتر بلاد عثمانی، هندوستان و ایران را دیده است. حاج محمدصادق بخارایی از لحاظ ثروت و مکتنت ممتاز بوده و همین اوصاف سبب شده است لقب «عمده‌التجار و الاختیار خائف بی‌تا... الحرام، برایش ذکر شود.

او در بخارا، مشهد و اطراف آن دارایی فراوانی داشته، اما در سال ۱۳۰۹ قمری همه املاکش را وقف می‌کند. موقوفات وی به این شرح است: کل شش‌دانگ کاروان‌سرای واقع در بخارا مشهور به کاروان‌سرای «خواجehخودرو» و راسته‌بازار چیت‌فروش‌ها مقابل کاروان‌سرای لعل. کل مزرعه قولقوچان، مزرعه کلاته‌یقال، مزرعه حسین‌آباد و کلاته شیخ‌کانلو در بلوک چناران، مزرعه چهپیزخانه در بلوک تبادکان، دو باب دکان سقطفروش و خیاطی در جنب کاروان‌سرای ناصریه مقابل مسجد جامع کبیر گوهرشاد، یک دکان ندافی متصل به در انبار آستانه در میان بست خیابان علیا، یک دکان خربزه‌فروشی متصل به کاروان‌سرای زغالی در حاشیه خیابان علیا.

این واقف گویا فرزندی به‌نام حاجی محمدطاهر داشته که برای موفقافتن مصارفی دوازده‌گانه‌بدین شرح در نظر گرفته است: صرف والد واقف و عم او مرحوم حاجی محمدکریم تاجر بخارایی، صرف سادات فقیر، تعزیه‌داری خاتم‌الانبیا^(ص)، حضرت امیرالمؤمنین^(ع)، ائمه اطهار^(ع)، زکات رد مظالم مرحوم حاجی محمدعظیم و عم واقف به طلاب فقیر، صرف طلاب فقیر و حفاظ قبر والد و مزار عم واقف و روشنایی مزار در حرم مطهر رضوی، حق التولیه و حق النظاره. وراث حاج محمدصادق بخارایی تا سال ۱۳۰۸ خورشیدی در مشهد بوده‌اند، ولی از نام‌ونشان ایشان پس از این خبری در دست نیست و گویا هیچ کدام از بازماندگانش مانند او تاجری برجسته نشده‌اند. نکته، شرح حال حاج محمدصادق بخارایی با تلاش و پژوهش علی نجف‌زاده و جلیل قصابی گز‌کره، در کتاب «تاریخ اقتصادی مشهد از دوره ناصری تا قبل انقلاب اسلامی» آمده و روایت نقل شده برگرفته از این کتاب است.

لهجه مشهدی

اتاق خانه‌ها باشد اجاری



پرنده‌اشعر زیر با عنوان «اتاق خانه‌ها باشد اجاری، از کتاب «منظومه مشهدی‌های قدیمی» نوشته مرحوم رضا افضلی انتخاب شده است. کتاب افضلی مجموعه تصاویری از گذشته‌های مشهد، فرهنگ و آداب‌ورسوم و اخلاق مردم شهرمان است. در این شعر هم بسیار ساده‌و ملموس به‌وصف خانه‌هایی در مشهد پرداخته است که چندین مستاجر در

مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند. اما افضلی در بخش پایانی کتاب با عنوان «یادداشت‌ها، بعضی اصطلاحات و کلمات شعرهایش را توضیح داده است. در این شعر هم درباره کلمه «سیاسر» نوشته است در مشهد به دختر گفته می‌شود و نیز نوعی کیوتر به همین نام وجود دارد که در لهجه مشهدی به آن، «کله‌سیا، نیز می‌گفته‌اند.

اتاق خانه‌ها باشد اجاری /شده چون پیشه‌های همسایه‌داری درون هر اتاقی آدمی چند/گذارد زندگی با اخم و لب‌بند اتاقی بسته باشد آن دگر باز/رسد از هر اتاقی جیغ و آواز شود گسترده شب پهلویه‌پهلوی/به روی «خشت فرش» خانه زیلو حیاط خانه از مغرب شود فرش/چراغ ماه تابد از رف عرش درآید «اشکنه، با کشک و گردو/زمانی کوفته، گه آش آلو شود در بین مردان، شرطبندی/اسر «گل‌پوچ» و «زور» و «قدبلندی» کسی که باشدش سرمایه یا کار/انهد هر روز «دیزی»، را سر بار بگوید زن به هر ناخوانده مهمان/بیفزاییم به آب دیزی الان یکی استاده و آن دیگری خواب/یکی خواند نمازش را به مهتاب یکی باشد نهان در پشت پرده/یکی خود را به خواب خوش سپرده زنان و دختران تک‌تک نشسته/گهی خود را به چادر سخت بسته شده پنهان به پشت لنگه در/ابه خانه هر که دارد یک «سیاسر» یکی کرده به کنج خلوتی کز/چود آن یک درون خانه «سقر»، تشک را برده آن یک بر لب بام/بخوابد گر شود آرام آرام شده شبی، حیاط از نور مهتاب شود سنگین به‌نرمی، چشم بی‌خواب